

## تنها در جاده پرسنگلاخ زندگی

زنان سرپرست خانوار از جمله گروه‌های آسیب‌پذیر جامعه هستند...



زنان سرپرست خانوار از جمله گروه‌های آسیب‌پذیر جامعه هستند که گاه عواملی چون طلاق، فوت، اعتیاد همسر، از کارافتادگی همسر و رها شدن توسط مردان مهاجر یا بی‌مبالات، موجب آسیب‌پذیری این طیف وسیع از جامعه، می‌شود. این گروه از زنان که با عنوان زنان سرپرست خانوار یا خودسرپرست در جامعه نامیده می‌شوند، با مسائل، مشکلات و موانع زیادی در زندگی مواجهند. توجه و بررسی همه‌جانبه و دقیق مسائل و مشکلات زنان سرپرست خانوار و ارائه راهکارهای درست و اصولی به منظور حمایت از آنها، از جمله وظایف نهادها و سازمان‌های خدمات اجتماعی در هر کشور است. متأسفانه در جامعه ما، زندگی زنان پس از ترک شوهر (به دلیل فوت، طلاق و...) غالباً با ابهامات و مخاطراتی روبه‌روست؛ از جمله سرپرستی فرزندان بتهایی و گاه بسختی، مشکلات اقتصادی، زندگی در تنهایی و همراه با افسردگی و ناامیدی، همچنین نگرش غلط جامعه نسبت به زنان مطلقه و بیوه در نبود همسرانشان، آنان را در روابط اجتماعی و حضور در اجتماع با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو می‌کند. با توجه به روند رو به افزایش شمار زنان سرپرست خانوار در سال‌های اخیر در نتیجه افزایش میزان طلاق در جامعه، لزوم توجه بیشتر به این قشر از افراد جامعه، ملموس‌تر است.

پس از پیروزی انقلاب، قانون اساسی بر تامین نیازهای افراد بی‌سرپرست و زنان سرپرست خانوار به عنوان اقشار آسیب‌پذیر جامعه تأکید کرده است. قانونگذار نظام اسلامی با توجه به اصل حفظ نهاد خانواده، اصل برقراری عدالت اجتماعی، اصل پیشگیری از مفاسد اجتماعی و اصل رعایت حقوق شهروندی موظف بوده است تا این گروه را زیر چتر حمایتی خود قرار دهد. از جانب دیگر مطابق با آموزه‌های مذهب تشیع، حاکمان حکومت اسلامی ملزم به بذل توجه ویژه در امور اقتصادی و اجتماعی افرادی هستند که از عهده مخارج خود بر نیامده و مشکلات بسیاری را متحمل می‌شوند.

از این‌رو، پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که زنان سرپرست خانوار به لحاظ پارامترهای جامعه‌شناختی، روان‌شناختی، اقتصادی و رفاهی چه وضعیتی دارند و تحلیل ثانویه بر این پارامترها، چه یافته‌هایی را بر می‌تابد؟ چه راهکارهایی را می‌توان جهت رویارویی زنان سرپرست خانوار با مسائل و مشکلات اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی پیش‌رو ارائه داد؟ مروری بر پژوهش‌های انجام شده در زمینه مسائل و مشکلات اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی زنان سرپرست خانوار نشان می‌دهد که در این زمینه پژوهش‌های معتبر بسیار محدود است. گستره مسائل و مشکلات اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی‌ای که نهاد خانواده به خاطر حذف یا تضعیف حضور کارکردی مرد می‌پذیرد و تبعات ناشی از آن موضوعی است که در سال‌های اخیر بخشی از تلاش‌های پژوهشی و مطالعات علمی را به خود اختصاص داده است. در این قسمت از نوشتار، به بررسی ادبیات تجربی تحقیق پرداخته می‌شود؛ ادبیاتی که در قالب پایان‌نامه کارشناسی و کارشناسی ارشد، رساله دکتری و گزارش‌های تحقیقی به فراخور عنوان تحقیق، به شرح و تبیین مسائل زنان سرپرست خانوار می‌پردازد. به طور کلی این تحقیقات را می‌توان به 2 دسته تقسیم کرد:

دسته اول: پایان‌نامه‌های تحصیلی دانشجویان رشته‌های مرتبط با موضوع که عمدتاً رشته خدمات اجتماعی و مددکاری است و دارای ویژگی‌های مشابهی هستند از جمله این‌که تمام این تحقیقات از نوع توصیفی هستند و به نتایج مشابهی نیز دست یافته‌اند. ویژگی‌های اجتماعی اقتصادی خانواده‌هایی که سرپرستی آنان با زنان است، وضع تحصیلات، اشتغال، درآمد، بهداشت و مسکن نامناسب است و ارتباط خویشاوندی ضعیفی دارند و عملکرد سازمان‌های حمایتی به علت کمبود منابع مالی و خدماتی در بهبود وضعیت این خانواده‌ها نیز چندان موفق نبوده‌اند. چند نمونه از این پایان‌نامه‌ها عبارتند از:

نتایج حاصله از پژوهشی با عنوان «بررسی سیاست‌های اجتماعی پیرامون حقوق زنان مطلقه سرپرست خانوار» توسط فاطمه قربانی در سال 1380، حاکی از آن است که ضعف قوانین در زمینه دسترسی زنان مطلقه به حقوقی که بعد از طلاق در قوانین حقوقی برای آنها در نظر گرفته شده است بخصوص در زمینه مهریه، اجرات‌المثل و نفقه برای نگهداری فرزندان، از جمله مسائل و مشکلات زنان سرپرست خانوار است.

پژوهش دیگر، در سال 1380 توسط فاطمه رضایی با عنوان «بررسی مشکلات اقتصادی اجتماعی خانواده‌های زن سرپرست تحت پوشش بهزیستی شهرستان خمین» انجام شده است. تحقیق حاضر با هدف دستیابی به اطلاعات لازم در رابطه با وضعیت اقتصادی اجتماعی خانواده‌های زن سرپرست جهت تقویت فعالیت‌های مربوط به این گروه خانواده‌ها انجام شده است. جامعه آماری 50 خانوار زن سرپرست 65 ساله تحت پوشش سازمان بهزیستی شهرستان خمین بوده است. روش تحقیق پیمایشی و اطلاعات به وسیله پرسشنامه استخراج شده و به نتایج زیر دست یافته است.

96 درصد دارای تحصیلات پایین هستند، 50 درصد زنان دارای مشاغل پایین هستند، 34 درصد مشاغل نیمه مهم، 16 درصد

غیرشاغل، 64 درصد دارای درآمد پایین و 24 درصد فاقد درآمدند. 80 درصد خانواده‌ها دارای پایگاه اجتماعی اقتصادی متوسط و پایین هستند. 32 درصد علت سرپرستی زن فوت مرد، 22 درصد بیماری و از کارافتادگی، 18 درصد زندانی بودن مرد، 12 درصد طلاق و 16 درصد سایر موارد است. اکثر خانواده‌ها کمک‌های بهزیستی را کافی نمی‌دانند.

در پژوهشی که توسط عباس سالاری «تأثیر فقدان پدر بر اختلالات رفتاری کودکان مقطع ابتدایی تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی شهر تهران» در سال 1373 انجام شده، حاکی از آن است که مساله اساسی پی بردن به تأثیر فقدان پدر در اختلالات رفتاری کودکان فاقد پدر بوده و به مسائل دیگری چون جنس، سن کودک، میزان تحصیلات و سن مادر و فقدان پدر پرداخته است. نمونه پژوهش شامل 160 دختر و پسر تحت پوشش کمیته امداد بوده که از 4 منطقه 11، 15، 17 و 20 آموزش و پرورش به روش خوشه‌ای انتخاب شده است. از مجموعه 12 فرضیه، 4 فرضیه تأیید و نتایج زیر استخراج شد:

هیچ‌یک از متغیرهای سن کودک، ترتیب تولد، سن و تحصیلات مادر با اختلالات رفتاری رابطه معناداری نداشت و حتی داشتن یا نداشتن پدر نیز بر کودکان تحت پوشش کمیته امداد تأثیر نداشت.

شرایط و اوضاع اقتصادی عامل اصلی است. مادران این کودکان که بار اصلی زندگی را به دوش می‌کشند، مانند سایر مادران، تعامل لازم را با کودکانشان ندارند. پدران کودکان واجد پدر نیز به علت نقایص و بیماری جسمی و روانی، حضورشان موثر نیست و مادران آنها به نوعی دچار افسردگی و نگرانی هستند و در نتیجه فرزندان آنها نیز دچار اختلالات روانی می‌شوند.

عمده‌ترین مشکلات زنان سرپرست خانواده مشکلات اقتصادی، ناآگاهی برای اداره امور اقتصادی خانواده، نگرش‌های منفی اجتماعی نسبت به زن سرپرست خانواده و نگرانی از آینده فرزندان استند دوم: تحقیقاتی هستند که عمدتاً توسط مراکز پژوهشی، دولتی و دانشگاه‌ها انجام شده است: «بررسی وضعیت زنان بیوه و بی‌سرپرست شهرستان اردبیل و ارزیابی عملکرد ادارات و ارگان‌های ذیربط در ارائه خدمات به آنها» طرح تحقیقاتی است که توسط اعظم باقر زارع و همکارانش در سال 1375 76 انجام شده است. این طرح، در زمینه بررسی وضعیت زنان بیوه و بی‌سرپرست در شهر اردبیل به روش پیمایشی و از طریق ابزار پرسشنامه و همچنین با استفاده از روش تحقیق اسنادی و مطالعه پرونده‌های مربوط به افراد تحت پوشش سازمانی مربوطه با نمونه آماری 705 نفر از میان زنان بی‌سرپرست و بیوه تحت پوشش سازمان‌ها، 106 نفر از دختران و زنان ارجاع شده به مراکز مبارزه با مفاسد اجتماعی و 40 نفر از زنان بی‌سرپرست و بیوه که تحت پوشش هیچ‌کدام از سازمان‌ها نبودند در سطح شهر اردبیل انجام گرفته است و براساس نتایج تحقیق، مشکلات اجتماعی و رفاهی زنان بی‌سرپرست، میزان ارتکاب به جرایم و میزان برخورداری از خدمات امدادی رفاهی دولتی (سازمان‌های حمایتی) مورد مطالعه قرار گرفته و پیشنهادهایی به منظور بهبود بخشیدن به وضعیت زندگی زنان بیوه و بی‌سرپرست و همچنین راهکارهایی برای جلوگیری از آسیب‌پذیری اجتماعی آنها ارائه شده است.

«طرح حمایت از زنان فرهنگی شاغل سرپرست خانوار» طرح دیگری است که توسط دفتر امور زنان آموزش و پرورش در سال 1380 انجام شده است. این طرح با هدف شناسایی و برطرف کردن موانع و مشکلات زنان شاغل فرهنگی سرپرست خانوار، جلب مشارکت و حمایت معاونت‌ها و سازمان‌های وابسته آموزش و پرورش در این زمینه، ارائه تسهیلات در بعد فرهنگی، اجتماعی، حقوقی، اقتصادی، بهداشتی و روانی، عاطفی به زنان شاغل فرهنگی سرپرست خانوار انجام شده است. در این طرح زنان سرپرست خانوار را به 3 دسته تقسیم کرده‌اند:

1- زنان شاغل سرپرست: خانواده‌هایی که مرد به طور دائم غائب است و زن تنها سرپرست قانونی است و شامل همسر شهدا، زنان مطلقه و زنان بیوه می‌شود.

2- زنان شاغل بدسرپرست: خانواده‌هایی که زن به صورت رسمی سرپرست نیست و غالباً تحت تکفل مرد است ولی مرد از عهده اداره مخارج زندگی برنمی‌آید و شامل همسر فرد معتاد، همسر فرد زندانی و مفقود، همسر از کار افتاده و معلول، همسر فرد بیمار و همسر جانباز با درصد بالای جانبازی می‌شود.

3- زنان شاغل خودسرپرست: زنان سرپرست خانواری که هرگز ازدواج نکرده‌اند و شامل دختران مجرد که تنها زندگی می‌کنند و دختران مجردی که افرادی از خانواده (پدر، مادر، برادر، خواهر و...) را تحت تکفل خود دارند. از میان تمامی کارکنان آموزش و پرورش (1/065/348 نفر)، حدود 428/542 نفر زن هستند که از بین آنها 6/976 نفر زنان سرپرست خانواری هستند که قانوناً سرپرستی فرزندان خویش را به عهده دارند و عائله‌مندی دریافت می‌کنند. بیشترین درصد زنان سرپرست خانوار، متعلق به استان‌های ایلام، چهارمحال و بختیاری و کهگیلویه و بویراحمد است. بیش از 50 درصد از زنان سرپرست خانوار فرهنگی، یک یا دو نفر را تحت تکفل دارند و حدود 90 درصد از آنها رسمی هستند. حدود 42 درصد از زنان سرپرست خانوار شاغل فرهنگی؛ دارای مدرک دیپلم، 13 درصد فوق دیپلم، 13 درصد لیسانس و درصد کمی فوق‌لیسانس و بالاتر و حدود 23 درصد نیز زیردیپلم هستند.

«بررسی آسیب‌های روانی اجتماعی زنان سرپرست خانواده» توسط زهره خسروی در سال 1380 انجام شده است. این بررسی به روش اسنادی انجام شده و ابتدا به مفهوم و نرخ زنان سرپرست خانواده پرداخته و سپس مشکلات روانی اجتماعی آنان را مورد بررسی قرار می‌دهد و در انتها به بررسی عواملی که می‌تواند فشار و آسیب‌های روانی اجتماعی را پیشگیری نماید یا کاهش دهد، می‌پردازد.

نتایج نشان می‌دهد عمده‌ترین مشکلات زنان سرپرست خانواده، مشکلات اقتصادی، ناآگاهی برای اداره امور اقتصادی خانواده، نگرش‌های منفی اجتماعی نسبت به زن سرپرست خانواده و نگرانی از آینده فرزندان است. در صورتی که زنان سرپرست خانواده از حمایت‌های اجتماعی مناسب برخوردار باشند، شیوه‌های مقابله مناسب را بیاموزند و دارای منبع کنترل درونی

باشند، کمترین آسیب را متحمل می‌شوند.

«بررسی میزان موفقیت طرح‌های خودکفایی و اشتغالزایی کمیته امداد امام خمینیه در ایجاد و تقویت فرصت‌های شغلی مناسب برای زنان سرپرست خانوار استان سمنان» توسط قدرت‌الله دوست‌محمدی طی سال‌های 82 تا 1381 انجام شده است. هدف این پژوهش، شناسایی میزان موفقیت طرح‌های خودکفایی و اشتغالزایی کمیته امداد در ایجاد و تقویت فرصت‌های شغلی مناسب برای زنان سرپرست خانوار در استان بوده است. جامعه آماری تحقیق، شامل کلیه زنان سرپرست خانوار تحت پوشش کمیته امداد که حداقل یک سال از طرح کمیته برای فعالیت‌های خودکفایی استفاده کرده‌اند. نتایج به دست آمده از این تحقیق عبارت است از:

- اعطای وام‌های خودکفایی، فرصت‌های شغلی مناسبی را برای زنان سرپرست خانوار ایجاد کرده است.
- بیشترین کمک از طریق اعطای وام برای خرید مواد اولیه برای نیاز شغلی بوده است.
- ارائه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای از سوی کمیته امداد در ایجاد و تقویت فرصت‌های شغلی مناسب برای زنان سرپرست خانوار موثر بوده است.
- برگزاری کارگاه‌های آموزشی و تولیدی در ایجاد و تقویت فرصت‌های شغلی برای زنان سرپرست خانوار، بسیار موثر واقع شده است.
- همچنین اعطای وام برای تامین فضای خودکفایی در ایجاد و تقویت فرصت‌های شغلی برای زنان سرپرست خانوار موثر بوده است.

رضا ویسی

جام جم